

قانون ثبت احوال نفوس و قانون حق دسترسی به اطلاعات توشیح شد وزرا رفتند، معین‌ها سرپرست شدند



صفحه ۶

فاروق وردک با امرهای فوق‌العاده افراد بی‌سواد را سزا می‌دهد



سرپرست وزارت معارف، برخلاف لوایح و طرزالعمل‌ها با امرهای فوق‌العاده خویش، شاگردان محروم، مکتب‌گرای و... را شامل امتحان ساخته و این کار دردسر تازه‌یی را به برخی از مکاتب شهر کابل ایجاد کرده است.

شماری از مسوولان مکاتب شهر کابل اسنادی را در اختیار روزنامه ماندگار قرار داده‌اند که نشان می‌دهد فاروق وردک وزیر معارف برخلاف طرزالعمل‌های این وزارت، افرادی را شامل امتحان سالانه مکاتب کرده است که بیشتر از ۱۱۴ روز غیر حاضر بوده‌اند.

این درحالی است که بر بنیاد... ادامه صفحه ۶

چرا جنرال ظاهر کنار رفت؟

اما برخی منابع گفته‌اند که جنرال ظاهر تحت فشارهای شدید سیاسی از سمتش استعفا داده است. جنرال ظاهر یکی از کارکنان افسران پولیس افغانستان است. او در طی مأموریت خویش در فرماندهی پولیس کابل، دست‌آوردهای بزرگی داشته است. بزرگترین باندهای آدم‌ربا در کابل از سوی جنرال ظاهر نابود شد. قاچاق‌بران بزرگ مواد مخدر و دزدان پشت سر هم از سوی جنرال ظاهر دستگیر شدند. او در طی چند ساعت، متهمان رویداد شرم‌آور پغمان را بازداشت کرد. آن‌ها سپس به فرمان رئیس‌جمهور پیشین اعدام شدند. استعفای جنرال ظاهر، واکنش‌های گسترده شهروندان کشور را به دنبال داشته است. هزاران تن در صفحات اجتماعی از این که جنرال ظاهر دیگر در فرماندهی... ادامه صفحه ۶



جنرال عبدالرحمان رحیمی پیش از این فرمانده پولیس ولایت بلخ بود. حشمت ستانکزی، سخنگوی فرماندهی امنیت کابل گفت که جنرال ظاهر دیگر به کارش ادامه نمی‌دهد. او دلایل این کناره‌گیری را ذکر نکرد.

جنرال محمد ظاهر، فرمانده پولیس کابل از مقامش کناره‌گیری کرد. این در حالی است که در هفته‌های اخیر ناامنی و حمله شورشیان در پایتخت و دیگر مناطق افغانستان افزایش یافته است. جنرال عبدالرحمان رحیمی جانشین وی انتخاب شد.

مجلس سنا به مسوولان امنیتی:

درباره جاسوسان لب به سخن بگشاید



اعضای مجلس سنا ضمن قدردانی از نیروهای امنیتی به منظور مبارزه با حملات انتحاری، از مردم افغانستان می‌خواهند که در تأمین امنیت کشور با نیروهای امنیتی بیشتر همکاری کنند. فضل‌هادی مسلم یار رئیس مجلس سنا با اشاره به افزایش حملات و ناآرامی‌ها در کشور به ویژه در کابل گفت: «دشمنان مردم افغانستان نمی‌خواهند که در کشور نظام باثبات و دموکراتیک استقرار یابد؛ لهذا بر مردم است که در پهلوی قوای مسلح ایستاد شوند و در برابر غلامان بیرونی مبارزه کنند». آقای مسلم یار از نیروهای امنیتی به عنوان پاسداران منافع مردم افغانستان یاد کرد و افزود: لباسی که نیروهای امنیتی به تن می‌کنند، نشانه عزت ملی افغانستان است. او تأکید کرد که باید فاصله میان دولت و مردم از میان برداشته شود. علی اکبر جمشیدی دیگر عضو خاطر نشان کرد: «همه می‌دانند که پشت سر تمام چالش‌های امنیتی افغانستان دست استخبارات بیرونی است». آقای جمشیدی... ادامه صفحه ۶

سفیر در حال کناره‌گیری امریکا:

زمان دیگر به نفع طالبان نمی‌چرخد



سفیر امریکا در ساعت‌های پایانی کارش در کابل می‌گوید که زمان دیگر به نفع طالبان نمی‌چرخد. سفارت امریکا در افغانستان با انتشار بیانیه‌یی می‌گوید که جیمز کانینگهام، در جریان خداحافظی با افغانستان و پایان کارش این سخنان را گفته است. در این بیانیه از قول... ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



کنفرانس لندن و حضور دولت وحدت ملی



طرح ایجاد اصلاحات در شهر و شهرداری کابل پاسخی مختصر به درخواست رئیس‌جمهور دکتر محمد اشرف غنی



بیانیه‌یی صریح علیه نژادپرستی به نگاهی به فیلم «۱۲ سال برده‌گی» ساخته استیو مک کوئین



کمپاین همکاری مردم پولیس راه‌اندازی شد

احمد عمران

کنفرانس لندن و حضور دولت وحدت ملی



سخن ماندگار

استعفا راه چاره نیست!

گزارش‌ها می‌رسانند که جنرال ظاهر ظاهر فرمانده پولیس کابل از سمتش استعفا داده و وزارت داخله کشور نیز بر این خبر مهر تأیید گذاشته است. دلیل استعفای آقای ظاهر، گسترش ناامنی‌ها در شهر کابل خوانده شده است؛ به این ترتیب که وقوع چندین حمله پیاپی طالبان به شهر کابل در روزهای اخیر، آقای ظاهر را وادار کرده که از سمت فرماندهی پولیس کناره‌گیری کند.

اگر استعفای آقای ظاهر دلیل سیاسی نداشته باشد، حداقل چند نکته مد نظر است که بازهم نمی‌شود کار آقای ظاهر را توجیه کرد.

۱- گسترش ناامنی‌ها تنها منوط به شهر کابل نیست که فرمانده پولیس این شهر استعفا می‌دهد. در دو هفته اخیر، بیش از ۱۵ مورد حمله خون‌بار در سراسر افغانستان از سوی طالبان انجام شده است که ضعف کل نیروهای امنیتی کشور را می‌رساند. حالا که آقای ظاهر استعفا داده است، حساب مقامات امنیتی ولایات دیگر چه می‌شود؟

۲- در مهار حملات انتحاری، بیشتر نقش استخبارات، به‌ویژه ریاست امنیت ملی مهم است که پیش از وقوع حادثه باید برنامه‌های طالبان را کشف و خنثا کند. نقش پولیس، غالباً اجرایی‌ست که اکثراً در عملیات‌های امنیتی برجسته می‌شود. نه این‌که مسوول هرگونه حمله خشونت‌بار در شهرها باشد. نکته مهم‌تر اما آن است که جنرال ظاهر یگانه‌مسوول امنیتی کشور نیست. اگر کارکرد استعفا را در این شرایط خطیر بپذیریم، پیش از آقای ظاهر، وزیر داخله، وزیر دفاع، رئیس امنیت و دیگران باید استعفا می‌دادند که در درجه نخست، مسوولیت تأمین امنیت مردم به عهده آن‌هاست. شاید آقای ظاهر بر بنیاد فشارهای ایمانی و وجدانی به این کار تن داده باشد که کاری‌ست ستودنی؛ اما چرا این عذاب وجدان سراغ سایر مقامات امنیتی نیامده است؟

با این‌همه، جان این مقال آن است که استعفا راه چاره نمی‌تواند باشد. هر قدر مقامات امنیتی استعفا بدهند، به همان اندازه توانایی طالبان و سایر نیروهای تروریستی بیشتر می‌شود. راه چاره در تعیین و تدوین یک استراتژی مشخص امنیتی‌ست که مسوولیتش شخصاً به رئیس‌جمهور برمی‌گردد.

اگر واقع‌بینانه مشکلات امنیتی کشور را حل‌اجی کنیم، دیده می‌شود که عروج دوباره طالبان و تقویت این گروه، بیشتر محصول سیاست‌های خام دولت پیشین است که اکنون دولت وحدت ملی نیز خواسته یا ناخواسته ادامه آن سیاست‌ها را مشق می‌کند. مسلماً اگر طالبان طی سال‌های گذشته با یک سیاست قاطع و منسجم در داخل حکومت افغانستان روبه‌رو می‌شدند، تا به حال نابود شده بودند.

عدم تدوین و موجودیت یک استراتژی معین در برابر طالبان است که هیچ جنگ منظم استخباراتی علیه آن گروه شکل نمی‌گیرد، برعکس بیشتر سیاست مدارا و بخشش در برابر آنان توصیه می‌شود. بنابراین بسیار ساده‌لوحانه خواهد بود که گمان ببریم با استعفای مقامات امنیتی، می‌شود راه چاره‌ی برای مشکلات موجود امنیتی اندیشید. هم‌چنان هنوز یادمان نرفته که چندین سال قبل، در پی یک حمله تروریستی به خیمه لویه جرگه، آقایان امرالله صالح رئیس امنیت ملی پیشین و حنیف اتمر وزیر داخله پیشین، از سمت‌های‌شان استعفا دادند؛ اما پس از این استعفاها، حملات طالبان بیشتر شدند.

اکنون هم شرایط تغییر نکرده، بلکه حساس‌تر از گذشته شده است. اگر دولت کنونی، سیاست‌های دولت پیشین را در قبال طالبان و حملات دهشت‌افکنانه‌شان (نرمش با طالبان و مستعفی ساختن مقامات ورزیده امنیتی) ادامه دهد، پیش‌بینی می‌شود که به‌زودی هرج‌ومرج همه کشور را در می‌نوردد، به‌نحوی که حتا رهبران دولت وحدت ملی نیز مجبور به استعفا و تسلیم شدن در برابر حوادث می‌گردند.

دولت وحدت ملی باید این برهه حساس را دریابد و عاقلانه با مسایل و چالش‌ها برخورد کند. استعفای مقام‌های ورزیده امنیتی، هرگز چاره ناامنی‌های اخیر نیست. در این وضع، ما باید به افراد باتجربه اهمیت بیشتری قابل شویم. دولت جدید نخست از همه باید به سیاست ناکام به‌میراث‌مانده از دوره آقای کرزی پیرامون جنگ و صلح پایان بخشد و با ارایه تعریفی شفاف از دوست و دشمن، یک استراتژی قاطع در برخورد با عوامل ناامنی در کشور تدوین کند و این استراتژی را توسط افراد کارکشته و قابل اعتمادی چون جنرال ظاهر ظاهر به منصه اجرا بگذارد.

مسلماً استعفا و قبول آن توسط مقامات، زمانی قابل دفاع است که بتوان افراد ورزیده‌تری را جایگزین کرد، نه این‌که در شرایط نزدیک به بحران بیایم خلی دیگری را در ساختارهای امنیتی به گروه‌های شورشی تحفه دهیم!

نگاه و انتظاراتی وارد کنفرانس لندن می‌شود؟ آیا سران دولت وحدت ملی این فرصت را داشته‌اند که به این مسأله فکر کنند و بسته واقع‌بینانه‌ی از انتظارات افغانستان را در اختیار جامعه جهانی بگذارند؟

دولت آقای کرزی به دلیل نوع برخورد آن با مسایل حیاتی کشور، به دولتی فرصت‌سوز نام‌بردار شده بود. آقای کرزی با وجود فرصت‌های فراوانی که در اختیار داشت، نتوانست از کمک‌های جامعه جهانی به نحو مطلوب استفاده ببرد. آقای کرزی تعریف دقیقی از نوع روابط افغانستان با جامعه جهانی نداشت. او فکر می‌کرد که جامعه جهانی باید سربازان و پول‌های خود را در اختیار او قرار دهند، تا او آن‌گونه که خود می‌داند، از آن‌ها استفاده کند. این درخواست بدون شک نمی‌توانست مورد قبول و حمایت جامعه جهانی قرار گیرد.

شناخت رابطه بسیار بااهمیت است که متأسفانه آقای کرزی فاقد آن بود. حالا گویا وضع فرق کرده است!... اگر واقعاً وضع تغییر کرده، چه نوع همکاری‌هایی را دولت جدید از جامعه جهانی انتظار دارد؟

نکته مهم اما این است که کنفرانس لندن یک فرصت است؛ فرصتی که می‌تواند برای افغانستان زمینه همکاری‌های جدید را به وجود آورد. ولی این زمینه، زمانی از قوه به فعل درمی‌آید که جامعه جهانی حس کند افغانستان در تلاش بهتر ساختن وضعیت خود است.

دولت جدید باید این کفایت را از خود نشان می‌داد که می‌تواند یک شریک خوب و استراتژیک برای جامعه جهانی باشد. در صد روز نخست متأسفانه چنین تصویری از افغانستان آرایه نشد. این صد روز که دیگر به روزهای پایانی خود نزدیک می‌شود، عمدتاً به شعار و وعده گذشت. گام‌های عملی‌ی که بتوان از آن‌ها به عنوان گام‌های اصلاحی یاد کرد، برداشته نشد و در بخش‌هایی، امیدهای مردم به یأس انجامید. دولت جدید در صد روز نخست عمدتاً به چانه‌زنی، گفت‌وگوهای بی‌حاصل بر سر تشکیل کابینه و حرکت‌های نمایشی برای تأمین امنیت مشغول بود؛ حالا اما فرصت کنفرانس لندن نباید در چنین فضایی به یک حسرت تبدیل شود.

ملی بر سر نوع تقسیم و میزان سهم هر تیم خبر می‌دهند. به گفته این ناظران، دو رهبر دولت وحدت ملی هنوز نتوانسته‌اند مکانیزم قابل‌پذیرشی را برای تشکیل کابینه به‌وجود آورند. البته برخی مشکلات در مورد تشکیل کابینه، قابل درک است ولی این روند نباید چنان زمان‌بر شود که کارایی دولت را در روزهای نخست زیر سوال ببرد.

دولت وحدت ملی با توجه به شرایط کشور، باید تلاش لازم را برای تشکیل کابینه جدید به‌ویژه در آستانه کنفرانس لندن انجام می‌داد. کنفرانس لندن برای افغانستان از اهمیت ویژه برخوردار است و بیشتر نگاه‌ها به این کنفرانس دوخته شده است. حضور هیأت با صلاحیت از افغانستان در این کنفرانس، می‌توانست بر ادامه همکاری‌های جامعه جهانی تأثیر بسیار مثبت داشته باشد.

افغانستان پس از سیزده سال همکاری‌های نزدیک با جامعه جهانی در عرصه‌های مالی و نظامی، می‌خواهد این مناسبات را وارد مرحله تازه‌ی سازد؛ مرحله‌ی که به آن نام «تحول» را داده‌اند و بدون شک نوع همکاری‌ها و تعاملات جامعه جهانی با افغانستان دچار برخی دگرگونی‌ها می‌شود. سیزده سال تجربه همکاری‌ها در عرصه مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی، این فرصت را برای هر دو جانب فراهم کرده که این مناسبات را یک بار دیگر مورد ارزیابی قرار دهند و تلاش‌هایی را برای موثریت روابط آغاز کنند. به همین دلیل، کنفرانس لندن این فرصت را مساعد می‌سازد که دو طرف دیدگاه‌های خود را که بدون شک حاوی نکات جدید خواهد بود، برای ادامه همکاری‌ها مطرح سازند. جامعه جهانی می‌خواهد از زبان دولت‌مردان جدید افغانستان بشنود که چه ارزیابی‌یی از سیزده سال همکاری‌های مشترک دارند. این همکاری‌ها چه قدر موثر بوده، در چه زمینه‌هایی کاستی وجود داشته و در چه زمینه‌هایی نیاز به بازنگری است.

در همین حال، دولت‌مردان افغانستان هم باید این فرصت را به‌دست آورند که دیدگاه‌های جامعه جهانی در مورد افغانستان و نوع همکاری‌های آن در آینده را بدانند. پرسش اصلی این‌جاست که هیأت افغانستان با چه طرز

اوایل ماه دسامبر سال روان میلادی، لندن میزبان کنفرانس دیگری در مورد افغانستان است. کنفرانس لندن با حضور سران و نماینده‌گان کشورهای متحد افغانستان که در سیزده سال گذشته از آن حمایت مالی و نظامی کرده‌اند، برگزار می‌شود و آجنندای اصلی آن‌هم در مورد ادامه همکاری‌های جامعه جهانی با این کشور است. تفاوت کنفرانس لندن نسبت به کنفرانس‌های پیشین در این است که دولت‌مردان جدید در این کنفرانس شرکت خواهند کرد. انتظار می‌رود که هیأت افغانستان بتواند در این کنفرانس، یک بار دیگر توجه جامعه جهانی را به سوی خود جلب کند و کمک‌های تازه نظامی و مالی جامعه جهانی را به‌دست آورد.

جامعه جهانی انتظار داشت که در کنفرانس لندن، دولت‌مردان افغانستان موفق شوند با تیم جدید وارد این کنفرانس شوند. اما آن‌گونه که دیده می‌شود، هنوز چانه‌زنی‌ها بر سر تشکیل کابینه جدید به نتیجه نرسیده و گفت‌وگوها نتیجه‌بخش نبوده‌اند. هرچند گفته می‌شود که روی بخشی از کابینه توافق صورت گرفته و به زودی تعدادی از نامزد وزیران معرفی خواهند شد.

برخی منابع می‌گویند که حتا اعلام نام برخی افراد در سمت‌های کلیدی، نمی‌تواند زمینه قانونی شدن آن‌ها را که باید رأی اعتماد پارلمان را داشته باشند، به دلیل ضیق وقت فراهم سازد.

با این حال، انتظار می‌رود که رئیس‌جمهوری و رییس اجراییه بتوانند دست‌کم با چهره‌های نو وارد این کنفرانس شوند. زیرا جامعه جهانی پس از ماه‌ها انتظار برای تشکیل دولت جدید، روزهای متوالی‌یی را هم در انتظار کابینه جدید سپری کرد. موضوع قابل بحث این‌جاست که چه دلیلی باعث تأخیر در مورد اعلام کابینه جدید شده است؟

برخی‌ها که به رهبران دولت وحدت ملی نزدیک استند، دلیل تأخیر در اعلام کابینه را دقت در این مورد ذکر می‌کنند و می‌گویند رهبران دولت وحدت ملی تلاش دارند که افراد شایسته و متخصص را در کابینه جدید جابه‌جا کنند. اما برخی از آگاهان که مسایل را زیر نظر دارند، از اختلافات میان رهبران دولت وحدت

داوود اوغلو دست‌بوسی را ممنوع کرد



نخست‌وزیر ترکیه به مقام‌های اجرایی این کشور دستور داده تا اجازه ندهند مردم برای قدردانی دستشان را ببوسند. به نوشته روزنامه تودی زمان، احمد داوود اوغلو، نخست‌وزیر ترکیه در جریان سخنرانی در کنگره ولایتی حزب عدالت و توسعه بر اهمیت تداوم ارتباط میان مردم و مسوولان اشاره کرد و گفت: هیچ‌یک از مقام‌های دولتی ترکیه نباید به مردم اجازه دهند تا دستشان را به نشانه قدردانی ببوسند. این در حالی است که پس از این سخنرانی مردی به داوود اوغلو نزدیک شده و برای تبریک گفتن به وی دستش را بوسید! بوسیدن دست بزرگترها و بزرگان از رسوم فرهنگی متداول در ترکیه است.

یک روز پس از تبرئه مبارک

محاکمه محمد مرسی از سر گرفته شد



یک روز پس از تبرئه حسنی مبارک، محاکمه محمد مرسی، رئیس‌جمهور مخلوع مصر و ۱۳۰ تن دیگر از اعضای اخوان المسلمین از سر گرفته می‌شود. به نوشته روزنامه مصری الیوم السابع، دادگاه کیفری قاهره به ریاست شعبان الشامی محاکمه محمد مرسی، رئیس‌جمهور مخلوع مصر و ۱۳۰ متهم دیگر را به اتهام فرار از زندان وادی النظرون و یورش به زندان‌های دیگری در این کشور در آغاز انقلاب ۲۵ جنوری ۲۰۱۱ از سر می‌گیرد.

این دادگاه در جلسه پیشین خود خواستار حضور محمد التاجی، رهبر برجسته اخوان المسلمین در داگاه شده بود. از بین متهمان در این پرونده نام رشاد بیومی، محمود عزت، محمد سعد الکتانتی، سعد الحسینی، محمد بدیع عبدالمجید، محمد البلتاجی، صفوت حجازی، عصام الدین العریان و برخی دیگر از رهبران اخوان المسلمین به چشم می‌خورد.

مرسی به سازمان دهی فرار گسترده از زندان وادی النظرون در جریان قیام ۲۰۱۱ که باعث سرنگونی حسنی مبارک، دیکتاتور سابق مصر شد، متهم است. وی پیشتر گفته بود که ساکنین محلی این زندانیان را آزاد کرده‌اند. مرسی پس از اعتراضات گسترده علیه حکومتش توسط ارتش مصر در ژوئیه ۲۰۱۳ سرنگون شد. دادگاه محاکمه سران اخوان المسلمین در حالی از سر گرفته می‌شود که روز گذشته پس از سه سال کشمکش سیاسی حسنی مبارک، رئیس‌جمهور سابق مصر و نزدیکانش از تمامی اتهام‌های موجود علیه‌شان تبرئه شدند.

انتفاضة فلسطین و چاقوی دو لبه مواضع اروپایی



سویدن اولین کشور اروپایی بود که ماه گذشته «کشور فلسطین» (که هنوز به علت تداوم اشغالگری تشکیل نشده است) را به رسمیت شناخت، این اقدام در شرایطی بسیار مهم انجام شد که فلسطینی‌ها آماده عزیمت به سازمان ملل برای تعیین مدت دو سال جهت پایان دادن به اشغالگری اسرائیلی‌ها در اراضی فلسطینی بودند. اقدام مشابهی نیز از سوی مجلس عوام انگلیس، پارلمان فنلاند، اسپانیا و ایرلند صورت گرفت و برخی پارلمان‌های دیگر همچون پارلمان فرانسه و پرتغال اعلام کرده‌اند که در آینده نزدیک مساله شناسایی فلسطین را به رای می‌گذارند. این موسسات اروپایی فلسطین را به عنوان کشوری رسمی به پایتختی قدس به رسمیت شناختند تا موج تازه‌ای از این روند در میان کشورهای اروپایی شکل بگیرد.

مرکز اطلاع رسانی فلسطین در گزارشی نوشته است: «طبیعی است که چنین اقدامی از سوی دولت آمریکا و کابینه رژیم صهیونیستی با انتقاد شدید مواجه شود، تل‌آویو با ابراز خشم از این تصمیم استکلام آن را ضربه‌ای سخت به خود و تهدید کننده روند سازش دانست. آمریکایی‌ها نیز که علاقه دارند هر تصمیمی برای دولت فلسطین از کانال این کشور عبور کند، مدعی هستند که اعلام دولت مستقل فلسطین نه به صورت یک‌جانبه بلکه باید بر اساس مذاکرات صورت گیرد.

کشور فلسطینی مدنظر جامعه جهانی منطقه‌ای شامل کرانه باختری و نوار غزه و قدس شرقی است که به علت سیاست‌های رژیم صهیونیستی ارتباط این مناطق کاملاً قطع است و از لحاظ جغرافیایی چندپارچه شده‌اند و عملاً تشکیل کشور فلسطین در این بخش از سرزمین تاریخی فلسطین را هم غیر ممکن ساخته است.

آنچه برخی دولتهای اروپایی در قبال آرمان فلسطین انجام داده گرچه اقدامی مثبت تلقی می‌شود و بازخورد تفر افکار عمومی از رژیم صهیونیستی و خسته شدن سران دولت‌ها از مانورها و دروغ پردازی‌های سران این رژیم است، اما تا زمانی که این تصمیمات با اقداماتی عملی همچون توقف صادرات سلاح به «اسرائیل» و غیره همراه نباشد، تاثیر قابل توجهی در تحولات امنیتی و توقف جنایات‌های رژیم صهیونیستی بر ضد فلسطینی‌ها در غزه یا کرانه باختری نداشته است. برای بیان تأثیرگذاری تصمیمات اخیر برخی کشورهای اروپایی در مورد به رسمیت شناختن کشور تشکیل نشده فلسطین لازم است به اندکی از تحولات اخیر امنیتی فلسطین اشغالی توجه شود.

تصمیم برخی پارلمان‌های اروپا و دولت سویدن برای شناسایی فلسطین بعد از حمله ۵۱ روزه رژیم صهیونیستی به غزه صورت گرفت که در جریان آن اشغالگران صهیونیست از هیچ جنایتی بر ضد زنان، کودکان، پیران و جوانان غزه فروگذار نکردند و بیش از دو هزار فلسطینی را به شهادت رسانده و ۱۰ هزار تن را زخمی کردند. معجون تسلیحات متعارف و غیرمتعارف صهیونیستی در این روزها کابوس تلخی برای کودکان غزه رقم زد و علاوه بر اینکه بیش از ۳۰۰ کودک فلسطینی در این جنایت به شهادت رسیدند، هزاران کودک نیز به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با پیامدهای ناگوار این جنگ دهشتناک مواجه شده و برخی، آن را تا پایان عمر با خود حمل خواهند کرد.

تصمیم شناسایی کشور فلسطین در حالی بود که روند لغزانی مذاکرات سازش بعد از نزدیک به دو دهه همچنان در جا می‌زند و کوچک‌ترین دستاوردی غیر از یأس و سرخوردگی و اجحاف در حق مطالبات مسلم شهروندی برای ملت فلسطین نداشته است.

سیاست جدید اروپا در به رسمیت شناختن دولت فلسطین در حالی بود که جنایات‌های شهرک‌نشینان افراطی بر ضد فلسطینیان بی‌پناه با حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم کابینه رژیم صهیونیستی در هفته‌های اخیر تشدید شده و افزایش هتک حرمت مسجداً لاقصی و طرح‌های رژیم صهیونیستی برای تجزیه این مسجد به آغاز انتفاضة سوم مردمی در فلسطین منجر شده است. تمام اینها در حالی بود که روزهای بعد از اقدام سویدن با روزهای قبل از آن تفاوتی نداشت.

جالب اینجاست که پارلمان انگلیس نیز در حالی این مصوبه را به تصویب رسانده که دولت متبوعش یکی از فعال‌ترین هم‌پیمانان وفادار اسرائیل و متحد راهبردی آن به شمار می‌رود و نقش اساسی در تأسیس و اعلام موجودیت ننگین رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی ایفا کرده است. شاید عناصر پارلمان به دنبال کاستن از عذاب وجدان خود در قبال اشتباهاتی هستند که اجداد آن‌ها در قبال فلسطین مرتکب شده‌اند، اما این مصوبه هیچ الزامی را به بار نیاورده و تاکنون هیچ چیزی از سیاست‌های دولت انگلیس در روابط با رژیم صهیونیستی را تغییر نداده است.

نکته مهم در توجه به رویکردهای کشورهای در به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطینی این است که این اقدام گر چه لازم است، اما کافی نیست؛ کشورهای مذکور

اگر در حمایت از مظلومان فلسطینی صداقت دارند، باید از حمایت‌های نمادین و غیر الزام‌آور از آرمان فلسطین به سمت تحرکات واقعی برای توقف جنایات صهیونیست‌ها در ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک گام بردارند.

تجربه دو دهه گذشته ثابت کرده آنچه در بازپس‌گیری حقوق غصب شده ملت فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی مفید است، مقاومت مسلحانه و ایستادگی در برابر زیاده خواهی‌های رژیم صهیونیستی تحت موجودیت گروه‌های مقاومت فلسطین است. پیروزی‌های اخیر گروه‌های مقاومت در غزه با وجود محاصره این منطقه نشان می‌دهد که باید راهبرد انفعال و دست بسته ماندن در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی کنار گذاشته شده و ملت فلسطین از پتانسیل دفاعی خود برای مقابله با رژیم صهیونیستی استفاده کند.

واقعیت این است که دولت و ملت فلسطین تحت اشغال صهیونیست‌ها قرار دارد و حتی مصوبه سازمان ملل در به رسمیت شناختن دولت فلسطین و پایان اشغالگری نیز عامل بازدارنده مناسبی در برابر اسرائیل و ادامه شهرک‌سازی و یهودی سازی در فلسطین اشغالی نخواهد بود، مگر اینکه مصوبه الزام‌آوری از سوی شورای امنیت و مبتنی بر بند ۷ منشور سازمان ملل صادر شود که بنا بر ساختارهای استعمارگرایانه سازمان ملل و حمایت‌های همه‌جانبه دولت‌های آمریکا و اروپا از رژیم صهیونیستی این اقدام نیز بعید است، چرا که آمریکا تاکنون بیش از ۴۰ قطعنامه به نفع آرمان فلسطین را به بهانه ضدیت با منافع رژیم صهیونیستی به صورت یک‌جانبه وتو کرده و مانع از اجرای آن شده است. رژیم صهیونیستی نیز دهها قطعنامه و مصوبه صادر شدند از سوی سازمان ملل را نادیده گرفته و همین روند نیز ادامه خواهد داشت.

جامعه جهانی اگر به دنبال اقدامات سودمند در دفاع از ملت فلسطین و رفع اشغالگری صهیونیست‌ها است، باید از انتفاضة سوم این کشور بر ضد جنایات‌های کابینه و شهرک‌نشینان افراطی حمایت کند و با اقدامات عملی نظیر توقف فعالیت‌های اقتصادی و مناسبات سیاسی با رژیم صهیونیستی به دنبال پایان اشغالگری در فلسطین باشد.

عمق مناسبات سیاسی و امنیتی محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین با رژیم صهیونیستی که آخرین نشانه‌های آن در محکوم کردن قاضی جدید ملت فلسطین و نادیده گرفتن جنایات صهیونیست‌ها خود را نشان داد، اثبات می‌کند که هر نوع حساب کردن بر روی ابو مازن در مسیر تحقق آرمان عدالت‌خواهانه فلسطین نوعی انحراف از مسیر اصلی به شمار می‌رود، این در حالی است که نگاهی دقیق‌تر به اقدامات اخیر کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که چه بسا این اقدامات در مسیر روند سازش با دشمن صهیونیستی و تقویت موقعیت تیم محمود عباس باشد. جالب اینجاست که این اقدامات همواره هنگامی بروز می‌کند که مبارزات ملت فلسطین با اوج‌گیری خشم انقلابی مردم در مسیر پیشرفت و تحقق اهداف خود قرار گرفته است. دلخوش بودن به این تحولات ظاهری و نمادین می‌تواند انگیزه مردمی برای ادامه مبارزه با اشغالگری‌ها و یهودی سازی و شهرک‌سازی را بگیرد و بار دیگر دور باطل مذاکرات سازش با رژیم صهیونیستی را احیا نماید.

بیش از دو دهه شکست در روند مذاکرات از این رو است که صهیونیست‌ها و حامیان غربی آن به دنبال سازش نیستند، آنها به دنبال تحمیل اقدامات توسعه‌طلبانه و شهرک‌سازی نژادپرستانه خود از طریق گفتگوها هستند، این در حالی است که طرف مذاکره کننده فلسطینی گرچه تاکنون عقب‌نشینی زیادی در مذاکرات از خود نشان داده، اما افکار عمومی را برای دادن امتیازهای بیشتر به رژیم صهیونیستی به ویژه در زمینه

شهرک‌سازی مناسب نمی‌بیند. به همین علت است که در سال‌های طولانی مذاکرات شهرک‌های صهیونیست نشین چندین برابر شده و تعداد شهرک‌نشینان به بیش از ۷۵۰ هزار نفر رسیده است، یهودی سازی قدس و از بین بردن مقدسات اسلامی و اجرای قوانین نژادپرستانه برای اخراج ساکنان اصلی فلسطین و ادامه جداسازی کرانه باختری و نوار غزه علاوه بر ترورها و یورش‌های امنیتی و تجاوزها و جنایات‌های مختلف بر ضد شهروندان از دیگر اقداماتی است در سایه خفت طرف فلسطینی در مذاکرات دنبال می‌شود.

امروز شهرک‌سازی به یکی از چالش‌های اساسی بین رژیم صهیونیستی با دولت‌های اروپایی تبدیل شده است، همین چالش بود که موضع جدی اتحادیه اروپا در قبال آرمان فلسطین را به دنبال داشت و فردریکا موگرینی رئیس جدید سیاست خارجی اروپا از اهمیت تشکیل دولت فلسطین به پایتختی قدس خبر داد. در همین راستا این اتحادیه تهدید کرده که در صورت تجاوز رژیم صهیونیستی از خطوط قرمز در ادامه شهرک‌سازی در منطقه «ای ۱» این اتحادیه تحریم‌هایی را بر ضد اسرائیل اعمال خواهد کرد. این تحریم‌ها می‌تواند تا حد بازگشت سفرای اتحادیه اروپایی از تل‌آویو باشد.

آنچه افکار عمومی دنیا را بر ضد رژیم صهیونیستی بسیج کرده و خواهد کرد جنایات‌های این رژیم در جنگ و صلح بر ضد ملت بی‌پناه فلسطین است، گروه‌های مقاومت و ملت فلسطین باید از فضای موجود در افکار عمومی جهان به بهترین نحو در مسیر ادامه انتفاضة سوم به عنوان مناسب‌ترین راهکار برای احقاق حقوق خود استفاده کنند، نه این که آن را در مسیر تلاش‌های بی‌فایده سیاسی و دست‌یابی به استقلال و تمامیت ارضی از طریق محافل وابسته بین‌المللی هزینه کنند.

آنچه بیان شد به معنای مذموم بودن تحرکات جهانی در به رسمیت شناختن دولت فلسطین به پایتختی قدس اشغالی نیست، بلکه آنچه مذموم است توجه یک‌جانبه به این تلاش‌ها به عنوان تنها راه دست‌یابی به آزادی و رفع اشغالگری از فلسطین است. قطعاً راهبرد مناسبات بین‌المللی می‌تواند با هم پوشانی مقاومت مردمی و انتفاضة جدید راه را برای تحقق آرمان عدالت‌خواهانه فلسطین مهیا کرده و بسترهای داخلی و خارجی پایان اشغالگری صهیونیست‌ها در فلسطین را مهیا نماید. تلاش برای صدور قطعنامه‌های جدید برخاسته از توافق‌نامه‌های بین‌المللی به ویژه محکوم کردن رژیم صهیونیستی در دادگاه‌های بین‌المللی جنبی می‌تواند در کنار مقاومت مردمی بال دیگری از تلاش‌های متحدانه در مسیر مبارزه با اشغالگری باشد.

نکته‌ی که در این میان حایز اهمیت است اینکه تحقق این دستاوردها و ایجاد زمینه‌های مبارزه تهاجمی در عرصه‌های دیپلماتیک امنیتی نیاز به وحدت تلاش‌ها و پتانسیل‌های ملت فلسطین در نتیجه وحدت گروه‌های سیاسی مختلف این کشور دارد. رهبران سیاسی فلسطین باید زمینه‌های لازم برای پیروزی انتفاضة جدید را مهیا کنند. رفع شکاف میان گروه‌های فلسطینی عامل مهم دیگری در ثمربخشی انتفاضة جدید است، تلاش گروه‌ها برای انزوای طرف مقابل یا تعامل آن‌ها به عنوان یک اقلیت بدون تاثیر فایده‌ای برای وحدت فلسطینی و نتیجه بخشی مبارزات نخواهد داشت. تمامی این شاخص‌ها به همراه فشار گسترده مردمی می‌تواند اراده ملت فلسطین را بر اشغالگری صهیونیستی پیروز گرداند.

از سوی دیگر، جهان اسلام و جهان عرب مسئولیت سنگینی در این خصوص بر عهده دارد، و علی‌رغم وضعیت بغرنج برخی کشورهای عربی و اسلامی، نباید در این شرایط بغرنج منطقه‌ای ملت فلسطین را در انتفاضة خود تنها بگذارد.

بخش چهارم

طرح ایجاد امکانات در شهر و شهرداری کابل

پاسخی مختصر به درخواست رییس‌جمهور دکتر محمد اشرف غنی



عبدالله مهدی - دانشجوی دورهٔ ماستری رشتهٔ شهرسازی و مدیریت شهری دانشگاه پولی تکنیک فرانسه - ریونی - فرانسه

نفوس شهر کابل رو به بیشتر شدن است و این فرآیند تا کنون متوقف نشده است. شهر کابل برای تبدیل شدن به یک شهر مدرن و فراهم آوردن سهولت برای باشندگان، نیاز به مترو دارد. هر قدر دیرتر اقدام شود، درد سر بیشتری گریبانگیر دولت خواهد شد. از همین حالا باید روی ایجاد مترو با داشتن ایستگاه‌ها در فاصله‌های مشخص و قابل دسترس، تحقیق صورت بگیرد. برای جلوگیری از تولید بیشتر دود، آلودگی صوتی، بندش جاده‌ها به خاطر فشار ترافیک و ضایع شدن زمان، باید در شهر کابل مترو ساخته شود.

تفریحگاه‌ها: در تمام شهر کابل به‌غیر از چند مورد انگشت‌شمار، تفریحگاه باز و عمومی وجود ندارد که مردم و به‌خصوص خانواده‌ها بتوانند از آن استفاده کنند. برای ساختن تفریحگاه‌ها، باید برنامه دقیق و عملی نظر به ظرفیت محل مورد نظر و تعداد مراجعین احتمالی، سنجیده شود. مناطقی که در داخل شهر کابل می‌توان آن را تبدیل به تفریحگاه‌های معیاری کرد، در گام نخست تپه‌های بزرگی مانند تپه شهید صلح پروفیسور برهان الدین ربانی، تپه نادرشاه، تپه بی بی مهرو، تپه قلعه فتح الله، تپه شهرآرا، تپه مرنگان، تپه ده‌کیک و چند مورد دیگر است. این تپه‌ها ظرفیت‌های بزرگی را در خود دارند و نظر به این‌که از خاک قابل زراعت ساخته شده اند، می‌توان در ایجاد پوشش گیاهی و سبز ساختن آن سرمایه‌گذاری کرد. دولت باید برنامه ساختن تفریحگاه معیاری را روی دست داشته باشد. سرک‌های منظم، پارکینگ، تشناب، ساحات سبز، رستوران و کارمندان مجرب برای حفظ نظم و آرایه خدمات و میزبانی در دستور کار قرار بگیرد. یکی از مزایای مهم ساختن تفریحگاه‌ها در تپه‌های شهر کابل این است که، مراجعین از دود و خاکی که فضای شهر را احاطه کرده است نیز در امان می‌باشند.

گام دوم و بزرگتر، تبدیل کردن قرغه و پغمان از مناطقی منزوی به ساحات درآمدزا و تفریحی می‌تواند باشد. قرغه به‌خاطر داشتن وضعیت منحصر به فرد طبیعی و

آب فراوان، می‌تواند تبدیل به یک باغ و تفریحگاه بسیار بزرگ و زیبا شود. کاسه بند، همراه با تپه‌های پیرامونش و تا دره پغمان، ظرفیت پذیرایی از هزاران نفر را به صورت هم‌زمان دارد. پیشنهاد می‌گردد که نظر به پلان توپوگرافیکی قرغه و مسیر آبریزها به بند، سرک‌های پخته و معیاری، تشناب، ورزشگاه، ایستگاه کمک‌های اولیه، هتل و رستوران معیاری و البته از همه مهم‌تر، مدیریت سالم و آموزش‌دیده در دستور کار قرار بگیرد. این منطقه، ظرفیت جذب توریست‌های خارجی را نیز دارد و می‌تواند به هزاران نفر شغل ایجاد کند و از یک ساحه بدامن و خطرناک، تبدیل به یک منطقه کلیدی اقتصادی و درآمدزا در کابل شود که هزاران خانواده، عاید خود را از آن‌جا تأمین کنند.

۴- ترافیک و بندش جاده‌ها

مشکل اصلی بندش جاده‌های کابل، تعداد زیاد موتور و وسایط نیست، بلکه بی‌نظمی است. شهرهای بسیار بزرگ و با نفوس چند برابر کابل توانسته‌اند راه‌حل پیدا کنند؛ بنابراین کابل نیز می‌تواند با این مشکل کنار بیاید. نخستین و اساسی‌ترین کار برای کم کردن بندش جاده‌ها و پایین آوردن تراکم ترافیک سنگین، ساختن چراغ‌های راهنمای ترافیک است. در طی سال‌های اخیر، در این زمینه بسیار کم‌توجهی صورت گرفته است و پایتخت هنوز هم از مشکل نداشتن چراغ راهنما رنج می‌برد. تعداد حادثات ترافیکی در داخل پایتخت، بسیار زیاد است و روزانه به شمار زیادی از مردم آسیب می‌رساند. یک تحقیق در طی دو سال گذشته نشان داده بود که از هر ده حادثه ترافیکی در کابل، هفت تا هشت مورد مربوط موتورهای دولتی و به‌ویژه وسایط نظامی است. دولت باید در مورد استفاده از این وسایط، قوانین جدی‌تری را روی دست بگیرد تا به این فاجعه پایان داده شود.

بیشتر حادثات دلخراش و سنگین، در مسیر جاده‌های بزرگ شهر کابل اتفاق می‌افتد و دلیل اصلی آن، سرعت بالای موتورها و نبودن راه پیاده‌رو برای عبور از جاده است. تعداد مرگ و میر و حادثات ترافیکی در جاده‌های بزرگ کابل (به‌ویژه سرک‌های چهل‌متره) بسیار سنگین است. پیشنهاد

می‌گردد که برای پایان دادن به این جریان، در هر یک کیلومتر این جاده‌ها، پل‌های هوایی پیاده‌رو ساخته شود.

۵- دست‌فروشان، کودکان خیابانی و گداها

تعداد دقیق دست‌فروشان تا کنون مشخص نیست. آن‌ها هر روز به جاده‌ها می‌آیند و در کنار سرک‌ها و پیاده‌روها کار می‌کنند. این مسأله باعث بندش پیاده‌روها و جاده‌ها می‌شود و روی ترافیک شهر تأثیر مستقیم می‌گذارد. می‌توان گفت که از جمله علت‌های اصلی بندش جاده‌ها، همین موضوع است. پیشنهاد نگارنده این است که برای دریافت راه‌حل، در ابتدا تعداد دست‌فروشان با تفکیک پیشه مشخص شود و پس از آن، برای‌شان در چند نقطه شهر کابل، بازارهای باز در نظر گرفته شود؛ جایی مشخص که در جریان روز مورد استفاده قرار بگیرد و شب‌ها دوباره پاک‌کاری شود.

کودکان خیابانی، مشغول انجام کارهای شاقه و مشکل در شهر کابل اند. تا کنون هیچ کار عملی به عنوان راه‌حل و پایان دادن به مشکل کودکان صورت نگرفته است. در گام نخست باید تعدادشان مشخص شود و سپس، زمینه ایجاد شغل و درس برای‌شان مهیا شود. در این مقاله، برای ایجاد فرصت‌های کاری، پیشنهادها و راه‌های مطرح شد؛ توقع می‌رود که در بالای فهرست مستحقین کار، این کودکان در نظر گرفته شوند.

از جمله مشکلات دیگر اجتماعی، گداها می‌باشند. در هر جا و در هر زمانی، ممکن است آن‌ها گریبانگیر و مزاحم مردم شوند. طوری که تجربه نشان می‌دهد، گدایی در کابل تبدیل به یک پیشه شده است که حتا از کشورهای دیگر نیز، گداها به کابل آورده می‌شوند. شهرداری کابل باید با همکاری ارگان‌های امنیتی، در جمع‌آوری گداها اقدام فوری کند. سپس فهرستی منظم از هویت و محل بود و باش آنان تهیه شود. می‌توان در برابر یک معاش مشخص از آن‌ها به عنوان کارگر در شهرداری استفاده کرد. باید «گدایی» به عنوان یک جرم تعریف شود و پس از تصفیه، «گدا» به عنوان مجرم شناسایی شود تا به این جریان پایان داده شود.

بخش نخست

بهترین مدیران فروتن هستند

برگردان: رویا مرسلی

منبع: hbr

در این بازار جهانی که در آن هر روز مشکلات و مسایل به‌طور فزاینده‌یی پیچیده‌تر می‌شوند، هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که همهٔ پاسخ‌ها را می‌داند. به همین خاطر، «لازلو باک» (Lazlo Bock) به عنوان یکی از مدیران ارشد شرکت گوگل در بخش عمل‌کرد نیروی انسانی می‌گوید: فروتنی یکی از ویژگی‌هایی است که او در استخدام‌های جدید شرکت به دنبال آن است. او می‌گوید «هدف نهایی این است که بدانیم همه با هم برای حل مسأله چه کاری می‌توانیم انجام دهیم. من کار مربوط به خود را انجام می‌دهم و کنار می‌روم.»

او ادامه می‌دهد «تنها فروتنی نیست که برای مشارکت دیگران فضا ایجاد می‌کند، بلکه منظور فروتنی هوشمندانه است. بدون داشتن تواضع، در این کار موفق نخواهید شد.»

تحقیقی که اخیراً انجام گرفته نیز مؤید همین مسأله است. این تحقیق نشان می‌دهد فروتنی یکی از چهار عامل مهم در رهبری برای ایجاد محیطی است که کارمندان با پیشینه‌های آماری مختلف بتوانند در آن احساس حضور و بودن داشته باشند. در تحقیقی که از بیش از ۱۵۰۰ کارمند از استرالیا، چین، آلمان، هند، مکزیک و امریکا انجام شد، دریافتیم وقتی کارمندان رفتار نوع‌دوستانه و عاری از غرور و تکبر در رؤسای خود ببینند، یعنی رفتاری که:

- ۱) با تواضع همراه باشد، مثل یادگیری از انتقادات و اعتراف به اشتباهات
- ۲) تشویق زیردستان به یادگیری و توسعه
- ۳) داشتن شجاعت مثل ریسک‌پذیری برای انجام کارهای بزرگ‌تر
- ۴) کارمندان را مسوول نتایج دانستن



در این صورت احتمال این‌که کارمندان در کار تیمی احساس مشارکت بیشتری داشته باشند، بیشتر است. این مسأله هم برای زنان و هم مردان مصداق داشت. کارمندی که مدیران‌شان با آن‌ها رفتار نوع دوستانه داشتند نیز خلاقیت بیشتری از خود نشان دادند و ایده‌های جدیدی برای محصولات جدید و بهبود فرآیندهای قبلی ارائه می‌دادند.

به علاوه، احتمال این‌که رفتار تیمی مشارکت‌جویانه‌تری از خود نشان دهند بیشتر بود. این افراد فراتر از وظایف خود کار می‌کردند و در صورت غیبت یکی از کارمندان، مسوولیت‌های او را نیز به‌خوبی به عهده می‌گرفتند. همهٔ این‌ها تأثیرات غیرمستقیم احساس مشارکت بیشتر در گروه کاری آن‌هاست. هم‌چنین ما توانستیم در این تحقیق، دو احساس نهفته را که باعث می‌شود احساس مشارکت در کارمندان تقویت شود، تفکیک کنیم: این دو احساس عبارت‌اند از: خاص بودن و حس تعلق.

کارمندان وقتی استعدادها و مهارت‌های ویژه خود را در اختیار تیم قرار می‌دهند، احساس خاص بودن می‌کنند و وقتی نقاط اشتراک مهم خود را با کارمندان پیدا می‌کنند، احساس تعلق می‌کنند. البته برای رهبران ایجاد تعادل صحیح در این رابطه کار مشکلی است و تأکید بیش از حد بر خاص بودن می‌تواند احساس تعلق کارکنان را از بین ببرد.

ناهید پیشور

تابستان ۱۸۴۰ - چشم‌انداز مزرعه‌یی وسیع در یک روز عادی در لویزیانا - خورشید بی‌رحمانه می‌تابد و تا چشم کار می‌کند، سیاه‌پوستان در گوشه و کنار زمین عرق‌ریزان مشغول کارند! آن‌سوتر اما، سیاهی تاپ‌تاپ مردی بر شاخه درختی تنومند خودنمایی می‌کند که با دستانی بسته و طناب دار بر گردن، نوک انگشتان بی‌رمقش را بر زمین گل‌آلود زیر پایش می‌ساید و در خلصه‌یی میان مرگ و زنده‌گی دست‌وپا می‌زند و زیر لب زمزمه می‌کند: «نمی‌خواهم زنده بمانم، می‌خواهم زنده‌گی کنم!»

این صحنه یکی از چشم‌گیرترین و تأثیرگذارترین سکانس‌های «۱۲ سال برده‌گی» است؛ درام تاریخی - حماسی آمریکایی - انگلیسی استیو مک کوئین که سناریوی آن اقتباسی آزاد از اتوبیوگرافی یک سیاه‌پوست دورگه آفریقایی - آمریکایی به نام سالومون نورثاپ است. بر اساس این خودزنده‌گی‌نامه که در سال ۱۸۵۳ منتشر و نخستین نسخه حرفه‌یی آن در سال ۱۹۸۵ نگاشته شد، سالومون در دهکده‌یی واقع در کوه‌های ادیروندک به دنیا آمد و در نوجوانی به نیویورک نقل مکان کرد. طولی نکشید که در رشته مورد علاقه‌اش، موسیقی، پیشرفت چشم‌گیری کرد و به یک نوازنده حرفه‌یی ویولون تبدیل شد. او، همسر و فرزندان زنده‌گی بی‌دغدغه و پر ناز و نعمتی در محله ساراتوگا اسپرینگز نیویورک داشتند؛ همه چیز خوب پیش می‌رفت تا این‌که سالومون پیشنهاد همکاری با یک گروه سیرک‌باز را می‌پذیرد و با آن‌ها عازم توره‌های بین شهری می‌شود. یک روز پس از یک اجرای خسته‌کننده در واشنگتن، وقتی از خواب برمی‌خیزد، خود را با دستانی بسته در چاله‌یی عمیق و متعفن می‌یابد؛ گیج و مبهوت کمک می‌خواهد اما از مضمون تحقیرها و تازیانه‌های همراهان خود که او را «حیوان فراری جورجیا» و «برده سیاه‌پوست» خطاب می‌کنند، متوجه می‌شود که او را با مخدر خواب کرده و روده‌اند. وقتی برده‌فروشان او و دیگر سیاه‌پوستان را به خارج از شهر می‌برند، مک کوئین دوربینش را بالا می‌برد تا کاخ کنگره واشنگتن را به عنوان عامل اصلی پدیده مضموم و غیرانسانی برده‌داری زیر سوال ببرد. پس از یک سفر نسبتاً طولانی روی دریا، سالومون در لویزیانا فروخته می‌شود و ۱۲ سال در مزارع برده‌داری این شهر به خدمت اربابانی درمی‌آید که باور دارند برده‌های سیاه‌پوست‌شان حیوانی بیش نیستند و برای خدمت به نژاد برتر آن‌ها آفریده شده‌اند؛ باوری که عزت نفس و خودبرتربینی آن‌ها را دوچندان می‌کند. با وجود آن‌که نام و هویت سالومون از او گرفته می‌شود، در تمام طول این مدت، بزرگی و شأن خود را حفظ می‌کند و همان غرور و منزلت یک انسان آزاد و یک شهروند آمریکایی را با خود دارد. به همین خاطر نوع نگاه اطرافیان، رفتارهای غیرانسانی آن‌ها مثل خوره روحش را می‌آزارد و هرچه با خود مبارزه می‌کند، نمی‌تواند آن‌ها را از ابراز افکار و مکنونات قلبی‌اش بی‌نصیب بگذارد.

«۱۲ سال برده‌گی» پدیده اکران ۲۰۱۳ و یکی از بخت‌های اصلی اسکار امسال است. به نظر می‌رسد که این ادعای نامۀ صریح علیه نژادپرستی، رقیب جدی «جاذبه» برای دریافت جایزه بهترین فیلم سال باشد؛ رقابتی میان ریالیسم و فانتزی که اعضای آکادمی را به چالش جدی فرا خواهد خواند. باید دید اسکار به نقض حقوق بشر بیشتر اهمیت می‌دهد یا معناگرایی در عالم فضا؟! اگر جیمز کامرون «جاذبه» را بهترین فیلم علمی - تخیلی تاریخ سینما نامیده، منتقدان زیادی نیز فیلم «۱۲ سال برده‌گی» را بهترین اثری دانسته‌اند که درباره تبعیض نژادی ساخته شده است.

«۱۲ سال برده‌گی» در شیوه روایت، ویژه‌گی‌های قصه‌گویی و قصه‌پردازی، حساسیت و نکته‌سنجی، تا حد زیادی به آثار دهه ۱۹۷۰ شباهت دارد؛ آثاری چون درام حادثه‌یی «مندیگو» (ریچارد فلاشر) و «خداحافظ عمو تام» (فرانکو پراسپری و گلتیرو جاکوپتی) که جدی‌ترین تلاش‌های سینمایی در نگاهش برده‌داری، رسواسازی سیاست‌های نژادپرستانه آپارتاید و بهره‌کشی‌های اربابان استعمار از برده‌های سیاه‌پوست محسوب می‌شدند.

فیلم مک کوئین تنها یک اثر سینمایی عالی و بی‌رحمانه رئال نیست که نشان از ظلم و ستم انسان بر انسان ضعیف‌تر داشته باشد، بلکه پاسخی منطقی و در عین حال احساسی به نیاز مبرم ژانر تاریخی - اجتماعی سینمای جهان به اثری‌ست که قویا به تم «انسانیت» پردازد و نگاهی متمرکز به «برده‌داری» به عنوان پدیده‌یی مضموم در تاریخ امریکا داشته باشد؛ «۱۲ سال برده‌گی» فلمی درباره اصل ساده «حق زنده‌گی»

است که با زور نوعی حس خودبرتربینی، از یک انسان به عنوان نماینده‌یی از چند نسل سلب شده و از این‌روست که نه تنها به مخاطب امکان می‌دهد که با چشمان کاملاً باز، بی‌پرده و بی‌واسطه به نخستین گناه آمریکایی‌ها (برده‌داری) بنگرد تا عمیقاً زنده‌گی را حس کند؛ در حقیقت، مک کوئین با استفاده از ترکیب عوامل بصری با روش خاص خود و طراحی صدای بسیار بلند و سرسام‌آور، تلاش می‌کند تا ریالیسم دلخراش و آزاردهنده تجربه نورثاپ و روابط بسیار پیچیده میان برده - ارباب، ارباب - ارباب و برده - برده را نشان دهد. در حقیقت، این فیلم عالی‌ترین و برجسته‌ترین اثر بلندی است که تا کنون درباره برده‌داری آمریکایی ساخته شده و البته از تصویر عریان قساوت و وحشی‌گری خاص موضوع محوریش ابایی ندارد؛ این فیلم همان اندازه که به منطق انسانی سوژه‌اش متکی است، می‌کوشد تا با نمایش پر زرق و برق صحنه‌هایی از فلم «برباد رفته»، بستر لازم برای همدردی و هم‌حسی مخاطب با قهرمان فلم و معضل

دنبال دارد و هر طور بنگریم، اساساً باوری غلط و سیاستی ناکارآمد است! به عقیده من، آلمان نازی به دو دلیل عمده در جنگ جهانی دوم شکست خورد؛ یکی آن‌که بیش از اندازه از نیروی انسانی ارتشش برای کشتار یهودیان استفاده کرد و دیگر آن‌که هیچ‌گاه از هوش سرشار، مهارت و استادی دانشمندان یهودی برای ساخت سلاح‌های پیشرفته‌تر استفاده نکرد؛ همان‌طور که مک کوئین در این فلم نشان می‌دهد اصلی‌ترین دلیل سقوط نظام برده‌داری، بهره‌نبردن هوشمندانه اربابان از برده‌های‌شان بوده است، چرا که با توسل به زور و تازیانه، انرژی آن‌ها را بابت انجام امور روزمره، کارهای سخت و طاقت‌فرسا و سرگرم ساختن آن‌ها و خانواده‌های‌شان هدر می‌دادند.

از سوی دیگر باید توجه داشت که هرچند مک کوئین جوان، فلم‌ساز پرکاری نبوده، اما همین چند فلم انگشت‌شمار مؤید این ادعا هستند که او نه تنها فلم‌ساز احساسی و بدسازی نیست، که هرگز تلاش نمی‌کند با توسل افراط‌آمیز به وجوه احساسی، مبالغه و

بیانیه صریح علیه نژادپرستی

نگاهی به فلم «۱۲ سال برده‌گی» ساخته استیو مک کوئین



تصنع‌گرایی در شخصیت‌پردازی و دیالوگ‌نویسی، به دنبال ایجاد هیجان کاذب و تکان بی‌منطق در مخاطب باشد، بلکه در جایگاه یک هنرمند، صادقانه و بی‌رحمانه، تلخ‌ترین واقعیات را به تصویر می‌کشد. برای او که از دنیای گالری - موزیم ویدیوها و فلم‌های کوتاه لندن پا به عرصه فلم‌سازی گذاشته، «۱۲ سال برده‌گی» یک گام جدی و ارزشمند محسوب می‌شود. «گرسنه‌گی» نخستین فلم بلند او (۲۰۰۸)، درباره شش هفته آخر زنده‌گی بابی سندز، مبارز ارتش جمهوری‌خواه ایرلند بود که در سال ۱۹۸۱ در اعتراض به وضعیت نابه‌سامان زندانبانان سیاسی دست به اعتصاب غذا زد. فلم بعدی او «شرم»، محصول سال ۲۰۱۱ بود که باز هم فاسبندر را در نقش اصلی داشت و به نوعی روایت داستان سبک‌سری صریح و بی‌پرده جنسی جوان مجرد و خوش‌قیافه‌یی بود که در نیویورک زنده‌گی می‌کرد؛ دو فلم قبلی مطالعه تصویری دقیق، موشکافانه و سخت‌گیرانه موضوعات ناخوشایندی بودند که با بی‌طرفی هوشمندانه‌یی روایت می‌شدند. با وجود آن‌که مک کوئین بر لزوم تأکید بر تصاویری که دیگر فلم‌سازان آن را به تخیل مخاطب می‌سپارند، اصرار

می‌ورزد، سعی می‌کند که نوعی احساس، هیجان و همدلی را به موضوع اصلی فلم بدهد که کمتر در فلم‌های هالیوودی می‌بینیم. او در «۱۲ سال برده‌گی» آزادانه و بی‌پروا درباره جامعه و تاریخ صحبت می‌کند. از این‌رو در این فلم صحنه‌های کوتاه بسیار استادانه‌یی دیده می‌شود که در ساراتوگا فلم‌برداری شده‌اند و حکایت از تبحر قابل‌اعتنای کارگردان در پردازش صحنه‌ها دارد.

معمولاً فلم‌سازان در این دست فلم‌های اعتراضی، صحنه‌ها را با نوعی تلفیق هیجان‌زده و جنون‌آمیز از تحقیر، تفر و توحش پیش می‌برند، اما مک کوئین آرام‌آرام تلخ‌ترین واقعیات را به تصویر می‌کشد و به هیچ‌وجه سعی نمی‌کند تا هراس لگدمال کردن‌شان و جایگاه انسانی با ستم زمانه راه، از مخاطب دریغ کند تا جایی که فلم برای چند دقیقه، به آوردگاهی برای یک ستیز مادی - معنوی مفراط میان یک آفریقایی - آمریکایی شریف و ستم‌دیده و یک سفیدپوست دیوانه تبدیل می‌شود.

چیوتل اجیوفور - بازیگر نقش سالومون که سابقه بازی در فلم‌های «فرزندان انسان»، «گانگستر آمریکایی» و «کمبرند قرمز» را دارد - در نقش سالومون نورثاپ، مردی شریف، آرام، مهربان و خوش‌قلب است که به‌راحتی می‌شود او را دوست داشت؛ از این‌رو هر فردی که ترس از دست دادن داشته‌هایش را دارد، با او همدردی می‌کند. اما فلم ما را به حال خود وامی‌گذارد تا برای هزاران نفری که هرگز آزادی را نشناخته‌اند و هرگز نتوانسته‌اند داستان‌های سخت و مشقت‌بار زنده‌گی‌شان را برای نسل‌های بعدی تعریف کنند، متأسف شویم. اجیوفور با انرژی و قدرت درونی بسیار قوی خود، فلم را تا تیتراژ پایانی سرپا ننگه می‌دارد و هرگز تلاش نمی‌کند تا کابوس خموش زنده‌گی سخت روزانه او را ملایم‌تر سازد.

یکی از بهترین ویژه‌گی‌های «۱۲ سال برده‌گی» این است که مک کوئین همه کاراکترها را با همان عمق و پیچیده‌گی شخصیت اصلی پرداخته است؛ او و سناریستش، جان ریڈلی روی کاراکترهای فرعی که نورثاپ در جریان قصه با آن‌ها روبه‌رو می‌شود، بیشتر کار کرده‌اند، اما این شخصیت‌ها حضور چندان پُررنگی در فلم ندارند؛ البته گاهی اتکای بیش از حد آن‌ها بر فاسبندر، برخی صحنه‌هایی را که در آن روان‌پزشی شخصیت او اوج می‌گیرد، دچار ضعف مقطعی می‌کند. «۱۲ سال برده‌گی» سرشار از لحظاتی است که چشم تماشاگر را با زیبایی بی‌کلام و شاعرانه‌یی می‌نوازد؛ مثل صحنه‌یی که در آن سالومون تنها در جنگل ایستاده، به صدای طبیعت گوش می‌دهد و سعی می‌کند که افکارش را به موقعیتی که در آن گرفتار شده، متمرکز کند. با این وجود صحنه‌ها و نماهایی در این فلم وجود دارند که مثل عکس‌های ماندگار، زیبایی چنان خیره‌کننده‌یی دارند که هرگز نمی‌توان آن‌ها را فراموش کرد؛ زنان و مردانی که در واشنگتن در نوبت سوار شدن به کشتی هستند؛ جنگل‌های خیس و رخوت‌زده لویزیانا در تابستان؛ چهره و گرم استثنایی چیوتل اجیوفور با چانه مربع‌شکل، پیشانی پُرچین و چروک و چشم‌های پر از علامت سوال!

فلم‌برداری عالی و موسیقی متن هانس زیمر بسیار تأثیرگذار هستند. به هر حال، «۱۲ سال برده‌گی» شاهکار ستایش‌شده دیگری از مک کوئین است که در بیشتر یادداشت‌ها و نقدها از آن به عنوان یک درام کلاسیک قوی، منتقدپسند، صادقانه و وفادار به تاریخ یاد شده که موفقیتش را نه به واسطه ستاره‌ها و نام‌های بزرگ به دست آورده، نه بودجه کلان سرمایه‌گذار و نه گستره وسیع میزانشان؛ در حقیقت عامل اصلی توفیق این فلم، سبک ژرف‌اندیشانه و تفکر‌مآب مک کوئین در پردازش موضوع اصلی فلم و مضامین مد نظر فلم‌ساز بوده است. باید اعتراف کنیم که برای نخستین‌بار در تاریخ سینمای امریکاست که صنعت سرگرمی‌ساز این کشور با وجود ایده‌های خلاقانه بین‌المللی، توانسته در اثری قوی و مستقل به یکی از جنایات بی‌چون و چرای خود در محکمه مخاطب اعتراف کند؛ هرچند که بازم ملاحظاتی را برای وارد نشدن به عرصه سیاست، لحاظ شده و در پایان قهرمان ستم‌دیده خود را به خانه و زنده‌گی‌یی که به آن تعلق دارد، باز می‌گرداند.

۱۲ سال برده‌گی (محصول ۲۰۱۳)

کارگردان: استیو مک کوئین

تهیه‌کننده: برد پیت

نویسنده: جان ریڈلی

بازیگران: چیوتل اجیوفور، مایکل فاسبندر، بندیکت کامبرباچ، پل دانو، پل جیاماتی، لویینا نیونگو.

قانون ثبت احوال نفوس و قانون حق دسترسی به اطلاعات توشیح شد

وزرا رفتند، معین‌ها سرپرست شدند



رییس‌جمهوری افغانستان قانون ثبت احوال نفوس، قانون حق دسترسی به اطلاعات و موافقت‌نامه‌های امنیتی با ایالات متحده آمریکا و ناتو را توشیح کرد.

دکتر اشرف‌غنی ناوقت روز گذشته در نشست مشترکی با دکتر عبدالله عبدالله و معاونان ریاست‌جمهوری و ریاست اجراییه، ضمن توشیح این قوانین و موافقت‌نامه‌ها، اعلام کرد که پس از این وزرا سرپرست نخواهند بود و معاونان وزارت‌ها، وظیفه سرپرستی را بر عهده خواهند داشت.

در این نشست، هم دکتر اشرف‌غنی و هم دکتر عبدالله هر نوع اختلاف درباره تشکیل کابینه را رد کرده و گفته‌اند که به منظور گماشتن افراد متخصص، با تجربه و مسلکی در وزارت‌ها، نیاز به دو سه هفته زمان دارند و وزرا طی این مدت به گونه تدریجی به مجلس معرفی خواهند شد.

رییس‌جمهور و رییس اجراییه اعلام کردند که کابینه از چهره‌های جدید تشکیل می‌شود و وزارت‌خانه‌ها از سوی معینان سرپرستی می‌شود و جز سرپرست وزاری که در نشست لندن وظیفه دارند تا ختم نشست لندن به کارشان ادامه

می‌دهند.

دکتر اشرف‌غنی گفت که در پست‌های سکتوری که ضرورت به تخصص و مدیریت دارد، تعهد ما این است که اشخاص واجد شرایط معرفی شود. او ضمن این‌که بر شفافیت در کار نهادها تأکید کرد گفت که دارایی‌های مقام‌های ارشد حکومت ثبت خواهد شد.

رییس‌جمهوری از نیروهای امنیتی کشور به خاطر دفاع از تمامیت ارضی و مردم ستایش کرد و گفت که وظیفه آنان مقدس است، زیرا از منافع علیای افغانستان دفاع می‌کنند.

او بار دیگر به ضرورت صلح پرداخت و گفت که یک اقلیت بسیار کوچک می‌خواهند این کشور را به گروگان بگیرند؛ اما ما این اجازه را نمی‌دهیم. دکتر اشرف غنی تأکید کرد که او با دکتر عبدالله به نتایج اساسی دست یافته اند و حکومت وحدت ملی پایدار است.

رییس‌جمهور تصویب موافقت‌نامه‌های امنیتی با آمریکا و ناتو را ضروری خواند و از مجلس به این دلیل تقدیر کرد. او گفت که ما نیاز به کمک جامعه جهانی داریم. به گفته رییس‌جمهور، براساس گزارش بانک جهانی، افغانستان از سال

۱۹۷۸ تا ۲۰۰۱ میلادی صرف در زمینه اقتصاد ۲۴۰ میلیارد دلار زیان دیده است که این فقط در زبان جور می‌آید.

دکتر عبدالله رییس اجراییه کشور نیز توشیح قانون ثبت احوال نفوس و قانون دسترسی به معلومات را مهم و ارزنده خواند و گفت که آنان به تعهدات انتخاباتی‌شان پای بند هستند.

او ضمن ستایش از تصمیم شورای ملی مبنی بر تصویب موافقت‌نامه‌های امنیتی با ایالات متحده آمریکا و ناتو گفت که نماینده‌گان مجلس منافع ملی کشور را درک کردند و تصمیم به جا گرفتند.

دکتر عبدالله با اشاره به نشست لندن گفت که در این نشست اشتراک خواهند کرد و پیشنهادهای تازه‌یی به جامعه بین‌المللی خواهند داشت. قانون ثبت احوال نفوس و قانون حق دسترسی به اطلاعات ماه‌ها در ریاست جمهوری حبس بود. رییس‌جمهور کرزی به دلایلی، از توشیح این دو قانون خودداری می‌کرد.

جامعه مدنی افغانستان از توشیح این قوانین از سوی دولت وحدت ملی ستایش کرده است.

درباره جاسوسان لب به...

بیان داشت: «حکومت باید بخش‌های عقیدتی و تبلیغاتی را از طریق وزارت حج و اوقاف و شورای علما فعال سازد تا آنان به مردم و آثانی که به شوق بهشت انتحار می‌کنند بفهمانند که هم خود را هلاک می‌کنند و هم باعث از بین رفتن افراد بی‌گناه می‌شوند». این سناتور هشدار داد: اگر حکومت متوجه نباشد و از طریق مساجد، تکیه خانه‌ها و منابر چنین تبلیغاتی را به راه نیاندازد، با سرنوشت حکومت «امان الله خان» دچار خواهد شد.

آوازه‌هایی وجود دارد که مجریان حملات با حمایت جاسوسان خارجی در موترهای زره دار وارد کابل می‌شوند و بر اهداف معینی حمله می‌کنند.

در همین حال، نثار حارث در این مورد گفت: «آوازه‌هایی وجود دارد که دشمنان مردم افغانستان در حکومت به ویژه در صفوف نیروهای امنیتی رخنه کرده اند و تروریستان را با موترهای زره از لوگر و میدان وردک به کابل انتقال می‌دهند؛ اگر چنین نباشد چطور انتحارکننده‌ها بدور از چشمان نیروهای امنیتی وارد مناطق مهم کابل می‌شوند».

آقای حارث با تأکید از حکومت به ویژه نیروهای امنیتی خواست که لب بگشایند و افراد جاسوس را افشا کنند. فضل هادی مسلم یار نیز تأکید ورزید که جاسوسان باید افشا شده و به اشد مجازات محکوم شوند تا دیگران از آنان عبرت بگیرند.

سناتوران گفتند: کار دشمنان مردم افغانستان به حدی رسیده که آنان بر زنان، کودکان و موسفیدان رحم نمی‌کنند و حتا بر مساجد حمله می‌کنند.

رییس مجلس سنا، بار دیگر بر تغییر استراتژی حکومت در مبارزه با دشمن و جنگ علنی با پاکستان تأکید ورزید و گفت: تلغاتی که ما در ۱۳ سال گذشته از جنگ استخباراتی پاکستان متقبل شده‌ایم؛ بهتر بود که جنگ علنی می‌کردیم؛ در آن صورت جبهه جنگ معلوم می‌شد یا ما به اتمک می‌رسیدیم یا آنان تا به کابل می‌رسیدند.

فاروق وردک با امرهای...

این اسناد و مدارک، برخی از افرادی که کمتر از ۸۲ روز غیرحاضر بوده‌اند، «به دلیل این‌که پول و واسطه ندارند و در وزارت معارف کسی را نمی‌شناسند»، محروم امتحان شناخته شده‌اند.

مسوولان برخی از مکاتب شهر کابل از مصلحت‌گرایی‌های وزیر معارف به ستوه آمده‌اند. آن‌ها همچنان می‌گویند که زیر نام «امتحان سامع» از شماری از افراد بی‌سواد، مکتب‌گریز و اخراجی که واسطه دارند و پول دارند، امتحان گرفته شده و سند صنف دوازدهم به آنان داده می‌شود.

براساس اسنادی که در اختیار روزنامه ماندگار قرار گرفته، یکی از مکاتب شهر کابل، با استناد به لوایح وزارت معارف و ریاست معارف شهر کابل، امر سرپرست وزیر معارف را مبنی بر گرفتن امتحان از یکی از شاگردان محروم رد کرده؛ اما سرپرست وزارت معارف طی امر فوق‌العاده‌یی خواستار شمولیت شاگرد متذکره در امتحان شده است.

این معلمین از رهبری دولت وحدت ملی به ویژه دکتر اشرف‌غنی رییس‌جمهوری کشور و دکتر عبدالله رییس اجراییه خواسته‌اند که جلو مصلحت‌گرایی‌ها و رویاری‌های سرپرست وزارت معارف را بگیرند.

به گفته آن‌ها، مصلحت‌کردن و رویاری کردن درباره معارف، خیانت به علم، دانش و در نهایت افغانستان است.

این شکایت‌ها درحالی صورت می‌گیرد که طی چندسال گذشته در کنار علمان دین و افراد صاحب فهم و دانش، صدها تن از افراد بی‌سواد و کم‌سواد براساس شناخت، واسطه‌بازی و... از معینیت تعلیمات اسلامی وزارت معارف طی یک امتحان نمادین و سمبولیک، سند صنف دوازدهم و چهاردهم را به‌دست آورده‌اند.

چرا جنرال ظاهر...

پولیس کابل نیست، اظهار تأسف و ناراحتی کرده‌اند. بسیاری‌ها گفته‌اند که رهبری دولت افغانستان از جنرال ظاهر انتقام گرفت. جنرال ظاهر در روز برگزاری انتخابات ریاست جمهوری کشور، جلو قلب‌های ضیاءالحق امرخیل رییس دبیرخانه کمیسیون انتخابات را گرفت. آقای امرخیل قرار بود برگه‌های رأی دهی را به منظور تقلب به سود نامزد مشخص به محل نامعلومی انتقال دهد که از سوی جنرال ظاهر توقف داده شد.

برخی‌ها در صفحات اجتماعی نوشته‌اند که جنرال ظاهر به دلیل فشارهای خارجی از سمتش کنار زده شده است.

یاسر محسنی در صفحه فیسبوکش نوشته است: «رییس‌جمهور غنی در سفری که به پاکستان داشت، به مدت ۱۰۲ دقیقه با راحیل شریف پشت درهای بسته ملاقات داشت. رییس‌جمهور از آن جلسه کمی ناراحت بیرون می‌آید و ... از شروع مذاکرات جدید با کابل و امنیت موعود همیشگی توسط اسلام آباد، برکناری چندین مهره قوی سیستم امنیتی کشور بود، یکی‌شان ظاهر ظاهر .»

زمان دیگر به نفع....

سفر آمده است که زمان طالبان گذشته و آنان باید آگاه باشند که با هراس افگنی و خشونت به قدرت نمی‌رسند.

وی نیروهای امنیتی افغان را مبارزین شجاع خوانده و با تأکید بر پشتیبانی بین‌المللی از آنان، زمان را دیگر به نفع طالبان نمی‌داند: «روایه‌های دور طالبان با آرمان‌های مردم افغانستان سازش ندارد و زمان دیگر به نفع طالبان نمی‌چرخد.»

جنرال ظاهر به یکی از بزرگان گفته: اگه کنار نروم امنیت و آرامش مردم کابل در خطر خواهد بود. عزیزالله آریافر در صفحه فیسبوکش نوشته است: «استعفای دلسوز ترین، مؤفق‌ترین و مسلکی‌ترین پولیس کشور زنگ خطر برای آنهاست که در راستای خدمت به مردم و سرزمین خویش صادقانه تلاش می‌کنند.

او با برخورداری از فرهنگ برتر و وجدان نیرومند انسانی به عوض کسانی استعفا داد که مسوول کشتار بی‌گناهان و ناهنجاری‌های اخیر امنیتی می‌باشند.

جنرال ظاهر ظاهر در برابر تمام حملات خودکشانه اخیر وظائف خود را به صورت ایده‌آل و پرشکوه و در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام داد.

فرمانده ظاهر ظاهر یک قهرمان است و همیشه قهرمان خواهد بود. بگذار چند روزی از آماج توطیه‌های نا جوانمردانه دشمن به دور بماند!!»

جمشید یما از دیگر کاربران فیسبوک نوشته است: فشارهای داخلی و خارجی کارگر افتاد و جنرال ظاهر ظاهر از سمتش کنار رفت. اخیراً به دفتر جنرال ظاهر یک مرد انتحاری را کشاندند تا فرمانده امنیه کابل کشته شود. پس از ناکامی این پروژه، او باید از

فرماندهی پولیس کابل کنار زده می‌شد. هر کسی‌که به این کشور و مردمش صادق باشد، بالاخره باید به‌بهانه‌های مختلف از صحنه برداشته شود.

هیچ پولیسی نمی‌تواند جای فرمانده ظاهر را پر کند. او در مأموریت یکی‌دوساله‌اش دست‌آوردهای بزرگ و تاریخی داشته است. کنار زدن او انگیزه سیاسی دارد و به گونه مستقیم به جنجال‌های انتخابات ریاست جمهوری رابطه دارد.

همچنان، مجیب مهرداد از کاربران فیسبوک گفته است: «فرمانده امنیه کابل استعفا داد. او همواره در خط مقدم بود و با سربازانش در میدان‌های جنگ‌های شهری علیه تروریستان حضور داشت. اگر قرار باشد کسی استعفا بدهد او باید وزیر داخله و رییس امنیت باشد، نه جنرال ظاهر که در خدمت‌گزاری اش هیچ کس شک ندارد. استعفای خدمت‌گزاران و نظامیان سرسختی چون او در چنین شرایطی فقط می‌تواند روحیه طالب را تقویت کند و بس. امنیت کابل بخشی از نظم امنیتی کل افغانستان است، امنیت کابل وابسته است به مدیریت امنیتی و استخباراتی در کل سطح کشور.»

این در حالی‌ست که پس از ایجاد حکومت وحدت ملی و طی سه‌ماه اخیر حمله‌های خونین طالبان در کشور به گونه فزاینده‌یی گسترش یافته که گفته می‌شود پاسخ طالبان و شبکه‌های تروریستی و استخباراتی برخی کشورها به امضای توافق‌نامه‌های امنیتی میان کابل-واشنگتن و کابل-ناتو است.

بر اساس بیانیه مذکور، کانینگهام اگرچه این کار را آسان نمی‌داند اما باور دارد که رهبران حکومت وحدت ملی زمینه را برای حکومت‌داری موفق در سال‌های پیش رو ممکن خواهند ساخت.

سفر امریکا در در آخرین روزهای حضورش در افغانستان با تأکید بر «دست‌آوردهای یک دهه گذشته» گفته است که افغان‌ها در آینده شاهد زنده‌گی خوبی خواهند بود.

وی پس از بیش سه‌سال اجرای مسوولیت به عنوان سفیر امریکا در کابل، به کارش در افغانستان پایان داد. تاکنون از گزینه جدید امریکا برای جایگزینی با کانینگهام گزارشی منتشر نشده است.



کمپاین همکاری مردم پولیس راه اندازی شد

به دنبال افزایش حملات انتحاری در شهر کابل، وزارت داخله افغانستان کمپاینی را برای همکاری مردم با پولیس به راه انداخته است. در این کمپاین پولیس ورق‌هایی را به مردم توزیع می‌کند که شماره‌های عاجل پولیس در آن درج شده است.

شهر کابل در روزهای اخیر شاهد موجی از حملات انتحاری و تهاجمی بوده است. در تازه‌ترین مورد سه مهاجم بر یک موسسه خارجی در غرب پایتخت حمله کردند و چهار تن را کشتند. پولیس در برخی از نقاط شهر در حال آماده باش قرار دارد و وسایط نقلیه در دروازه‌های ورودی شهر به دقت بازرسی می‌شوند.

این کمپاین روز یکشنبه (۹ قوس) از کابل آغاز شد و قرار است در دیگر ولایات افغانستان نیز گسترش یابد. ورق‌هایی را که پولیس به مردم توزیع می‌کند در آن شماره‌هایی درج است که زمینه تماس مردم با پولیس را فراهم می‌کند.

صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: «ما امروز یک کمپاین را آغاز می‌کنیم که مردم افغانستان به خصوص شهروندان کابل تروریست را بشناسند؛ تروریستی که در لباس مردم عادی است؛ تروریستی که در لباس حتا نیروهای امنیتی است؛ این‌ها را بشناسند و در شناسایی آن‌ها و این که در کجا موقعیت دارند، به ما کمک کنند».

با وجودی که فضای ترس در شهر محسوس است، اما ریاست امنیت ملی روز جمعه گفته است که از ۱۰۰ بلان طرح شده طالبان، این گروه تنها توانستند ۳ حمله



را انجام دهند.

مخالفان چه می‌خواهند؟

وزارت داخله افغانستان می‌گوید طالبان و حامیان آن‌ها می‌خواهند برای مردم ثابت کنند که «حکومت وحدت ملی» توان تامین امنیت را ندارد. آقای صدیقی گفت: «دلایل و عوامل زیادی در عقب این حمله‌ها است؛ اما مهمترین دلیل این است که تروریستان منطقه‌یی به خصوص شبکه‌هایی که در منطقه [حضور دارند، پشت آن] هستند. طالبان، طالبان پاکستانی، شبکه حقانی، القاعده، لشکر طیب و لشکر جنگوی متاسفانه

در عقب این حملات قرار دارند».

افزایش حملات انتحاری در افغانستان در آستانه کنفرانس لندن

به باور مقام‌های وزارت داخله امضای موافقتنامه امنیتی با ایالات متحده امریکا یکی از دلایل اصلی افزایش حملات انتحاری است. آقای صدیقی می‌گوید امضای این موافقتنامه پیام واضحی به همسایه‌های افغانستان داشت و آن این که «افغانستان تنها گذاشته نمی‌شود» و همین دلیل سبب شد تا گروه‌هایی که در پی تسلط دوباره به افغانستان بودند، مایوس شدند و

حالا دست به حملات انتحاری می‌زنند. صدیقی می‌گوید گروه‌های تروریستی به این باور بودند که با خروج نیروهای بین‌المللی می‌توانند افغانستان را تصرف کنند؛ ولی موافقتنامه‌هایی که با امریکا و ناتو امضا شد «دشمنان افغانستان ناامید و مایوس» شدند.

در همین حال آگاهان مسایل نظامی می‌گویند حملات اخیر نتیجه یک جنگ نیابتی است به همین دلیل بیشتر مراکز شهرها هدف قرار می‌گیرند و این حملات پیام‌های سیاسی مشخصی دارند.

به باور آقای امرخیل تاخیر در معرفی کابینه نیز یکی از دلایل افزایش ناامنی‌ها است: «فعلاً در افغانستان یک شخص مسوول نیست. اصلاً دولت وجود ندارد، حکومت نیست. وقتی چنین حالت باشد که در آن استراتژی، فرماندهی واحد، وحدت عمل و وحدت نظر وجود نداشته باشد و اختلافات بر سر کرسی‌ها و چوکی‌ها جریان داشته باشد نه بر سر مردم و امنیت در این وضع، ما شاهد ناامنی‌ها هستیم».

این آگاه مسایل نظامی می‌گوید برخی از حلقات و افراد در داخل افغانستان، جنگ و ناامنی را به نفع خود می‌دانند و از وضعیت ناآرام سود می‌برند. به نظر آقای امرخیل سفر رییس جمهور غنی به پاکستان و گفت‌وگوی جدی او با مقام‌های نظامی پاکستانی سبب افزایش ناامنی‌ها شده است تا به حکومت وحدت ملی فهمانده شود که پاکستان تا چه اندازه در امن و ناامن کردن افغانستان نقش دارد.



ورزش

تمجید خرازد پیکه از کریستیانو رونالدو



خرازد پیکه در صحبت‌هایی به تمجید از کریستیانو رونالدو پرداخت و عنوان کرد این بازیکن پرتغالی با تلاش و کوشش توانست به جایگاه بالایی در فوتبال برسد.

هر روز که به مراسم توپ طلای فوتبال جهان نزدیک می‌شویم، صحبت درباره این مراسم و اینکه چه بازیکنی شایسته توپ طلا است بیشتر می‌شود. خرازد پیکه مدافع اسپانیایی بارسلونا با تمجید از کریستیانو رونالدو گفت: رونالدو را از زمانی که به منچستریونایتد رفتم می‌شناسم. او آن زمان خیلی به من کمک کرد.

رونالدو بازیکن خیلی بزرگی است. او مثل یک ماشین است و اصلاً خستگی را درک نمی‌کند. رونالدو در تمرینات همیشه خیلی جدی تلاش می‌کند و توانست با تلاش زیاد به بازیکن بزرگی در فوتبال تبدیل شود.

پیکه ادامه داد: رونالدو روحیه بسیار بالایی دارد و با تلاش زیادش توانست مسی را کنار بزند و توپ طلای فوتبال را در سال گذشته کسب کند. رونالدو سال گذشته شایسته توپ طلای فوتبال جهان بود چرا که با تلاش زیاد توانست به این جایگاه برسد.

این مدافع اسپانیایی درباره مقایسه کریستیانو رونالدو و لیونل مسی گفت: مسی توانایی ذاتی دارد. وقتی توپ زیر پای او قرار دارد خیلی راحت نمی‌تواند توپ را از او بگیرد. ولی رونالدو محصول تلاش زیاد است و به همین خاطر قدرت بدنی بالایی دارد.

پیکه در ادامه گفت: شایعاتی که در روزهای گذشته درباره پیوستن به منچستریونایتد منتشر شده را رد می‌کنم، چرا که اصلاً تمایلی به بازگشت به منچستر ندارم و می‌خواهم در بارسلونا فوتبالم را به پایان

تونی نادال: فدرر بهترین تنیس‌باز جهان است

تونی نادال، عموی رافائل نادال و مربی شناخته شده دنیای تنیس معتقد است که روجر فدرر شایسته شناخته شدن به عنوان بهترین تنیس‌باز جهان است. او برادرزاده خود رافائل نادال را که ۱۴ بار قهرمان گرنداسلم شده است، درخور این مقام نمی‌داند. فدرر ۱۷ بار در گرنداسلم مقام آورده که در این زمینه رکورددار است و هفته گذشته قهرمانی دیویس کاپ را نیز به پرونده خود اضافه کرد.

تونی نادال در مصاحبه خود با یک شبکه رادیویی اسپانیا گفت: فکر می‌کنم فدرر بهترین است. فدرر در تاریخ تنیس به همراه رود لاور از بهترین‌ها هستند. نادال بعد از فدرر دومین تنیس‌باز برتر جهان محسوب می‌شود. نادال از ویمبلدون سال ۲۰۰۷ تاکنون به فدرر نباخته است.



فن‌خال: هاجسون از من‌الگو برداری کرد و کاپیتانی انگلیس را به رونی سپرد



سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال هلند معتقد است سرمربی سه‌شیر از وی الگو برداری کرده و بازوبند کاپیتانی را به وین رونی سپرده است.

لویز فن‌خال با تمجید از مهاجم ۲۹ ساله تیمش گفت: پیش از اینکه به منچستریونایتد پیامی از شهرت وین رونی شنیده بودم ولی از همان روز اول متوجه شدم که او بازیکنی نیست که همه در موردش صحبت می‌کنند و نظر مرا به خودش جلب کرد. وین با وجود اینکه به سطح بالایی از فوتبال رسیده الگویی فوق‌العاده در تمرینات است. به نظرم رونی باید همیشه در تیم من بازی کند، البته زمانی که در اوجش نباشد می‌توانم برای تعویض او متقاعد شوم.

وین رونی شب شنبه در برتری ۳ بر صفر منچستریونایتد مقابل هال‌سیتی گل دوم تیمش را به ثمر رساند تا تعداد گل‌های زده خود در رقابت‌های فصل جاری لیگ برتر را به عدد پنج برساند و در حال حاضر بهترین گلزن شیاطین سرخ در این رقابت‌ها باشد. وی افزود: به هر حال رونی اکنون کاپیتان من است و الگویی برای بازیکنان دیگر تیم. از این‌رو از داشتن چنین بازیکنی خیلی خوشحالم. باید بگویم وین عاشق فوتبال است و دوست دارد تا کاپیتانی منچستریونایتد را بر عهده داشته باشد. البته کاپیتانی انگلیس هم به او کمک کرده تا کاپیتان بهتری در من‌یونایتد باشد.

سرمربی هلندی سرخپوشان اولدترافورد در پایان خاطرنشان کرد: رونی بازیکنی باتجربه است و باید به همه یادآوری کنم من بودم که اول او را کاپیتان منچستریونایتد کردم و روی هاجسون از من الگو برداری کرد و بازوبند کاپیتانی انگلیس را به رونی داد. من این توانایی را دارم که هر بازیکنی را بهتر کنم. متأسفم، شاید این حرفم به نوعی تکبر محسوب شود ولی می‌توانم این کار را انجام دهم.

مدیر مسؤول: نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
 nazari.paryani@yahoo.com
 ویراستار: روح الله یوسف زاده
 مدیر خبر: مجتبی امیری
 گروه نویسندگان: حلیمه حسینی، احمد عمران و کاوه جبران
 گزارشگران: ناجیه نوری، عرفان مومند و محمد هارون مجیدی
 برگ آرابی: مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com

شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ - هرات: ۰۷۸۹۵۱۰۰۶۶

مسؤول توزیع: حبیب الله - ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸

نشانی: چهارراهی حصه دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچه پنجم

شماره گان: ۵۰۰۰

به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسندگان بر می‌گردد.

Year 6 NO 1424 Monday 1 December 2014

DAILY

Mandegar

محمد عمر داوودزی:

انگلیسی‌ها فرمانده جلی طالبان را به دیدار کرسی بردند



رییس دفتر رییس جمهوری سابق افغانستان گفته که مقام‌های انگلیسی یک فرد عادی را به عنوان یکی از فرماندهان ارشد طالبان به مذاکرات حساس با دولت کابل آوردند.

محمد عمر داوودزی، رییس دفتر حامد کرزی، رییس‌جمهور سابق افغانستان گفته است که دیپلمات‌های انگلیسی این فرد را ماه جولای یا اگست گذشته به دولت کابل معرفی کردند. مردی که قرار بود به دیدار حامد کرزی رفته و با وی درباره مذاکرات با طالبان صحبت کند، ملا منصور، یکی از فرماندهان ارشد طالبان و پیشتر وزیر هواپیمایی دولت طالبان بود. وی اکنون مسوول تامین تسلیحات برای طالبان است. در همین حال مقام‌های دولت لندن گفتند که پول حاصل از مالیات دهنده‌گان انگلیس به این مذاکره کننده جعلی طالبان پرداخت نشده و دستمزد وی از صندوق دولتی افغانستان پرداخت شده است.

این فرد مدتی پس از مذاکرات ناپدید شده است. منابع دولت انگلیس گفته‌اند که این فرد توسط نیروهای امنیت ملی افغانستان معرفی شده بود و دولت انگلیس فقط تسهیل کننده مذاکرات افغان‌ها بوده است.

سفارت انگلیس در کابل از تایید یا رد این اظهارنظرها امتناع کرد.

داوودزی در گفتگو با واشنگتن پست گفت: درسی که ما گرفتیم این بود: شرکای بین‌المللی نباید به سرعت

هیجان زده شده و وارد عمل شوند، افغان‌ها خودشان می‌دانند باید چه کنند ما با ملاحظه و دقت وارد عمل می‌شویم و بیشترین نتیجه را می‌گیریم.

یک مقام دولت امریکا نیز گفت که بدل منصور یک مرد «انگلیسی» بوده است و امریکایی‌ها از ابتدا نسبت به این مرد شک داشتند چرا که اطلاعات رسیده حاکی از آن بود که منصور واقعی کمی بلندتر است. هویت واقعی این طالبان جعلی هنوز معلوم نیست و هنوز مشخص نیست که آیا وی واقعاً با طالبان ارتباطی داشته و یا یک فرد عادی بوده است.

اما تیوری دیگر این است که این فرد احتمالاً از اعضای سازمان استخبارات پاکستان بوده است.

نوی کابینه کی تولی خبری نوی دی



بنیایی دېر ژر د حکومتی چارو خند وگرځي. بنباغلي ابراهيمي د ولسي جرگې په يوې غونډه کې ان د ملي وحدت د حکومت مشروعیت هم تر پوښتنې لاندې راوستلی او ویلي یې دي چې نور د شته وزارتونو په دننه کې د ناقانونی گونکسې د اندېښنې وړ دي.

اوس چې د کابینې د توافق په اړه د ولسمشرۍ دفتر چارواکو خبر ورکړی د ولسي جرگې غړي یې هر کلی کوي او سترگې په لار دي چې دېر ژر به دغه نوی خبرې ورته د تایید رایو د اخیستلو لپاره ور وپېژندل شي.

همداراز په کابینه کې د څلورو تنو ښځو موجودیت یې د ښځو د حقوقو د ادا کېدو او په نوي حکومت کې د هغوی په ونډو د پام وړ گام بللی دی.

سره له دې چې په کابل او یو شمېر نورو ولایتونو کې ورستیو بد امنیو ولسونه اندېښمن کړي دي، د کابینې ځنډ یې د روان وضعیت د لا کړکېچن کېدو اصلي علت گڼلی.

ولسمشر محمد اشرف غني او د اجرایوي چارو رییس عبدالله عبدالله بالاخره د کابینې د ټاکلو په سر موافقې ته ورسېدل.

خو که اړونده نوماندان له ولسي جرگې څخه د تایید راپې واخلي بنیایی اوسنی امنیتي کړکېچ مخ په ښه کېدو شي. همدا راز کارپوهان بیا د کابینې اعلان مخکې د لندن له کنفرانسه چې د گوتو په شمار ورځې ورته پاتې دي خورا گټور بولي او زیاتوي چې د کابینې یو شمېر وزیران به وکولای شي په لندن کې د افغان حکومت له پلاوي سره ملگرتیا وکړي او موثريت به یې لا زیات کړي.

تر دې وړاندې د ملي وحدت حکومت له خوا ولسي جرگې ته ټاکلې موده ورکړل شوې وه چې دوی به خپله کابینه ورته د تایید لپاره ور وپېژني؛ خو د ولسمشر غني او د اجرایوي رییس عبدالله عبدالله ترمنځ یو شمېر اختلافات یې د ځنډ سبب و گرځېدل چې د ولسي جرگې او په ټوله کې یې افغانان اندېښمن کړي وو؛ خو د وروستیو بدامنو او یو شمېر نورو لومړیتوبونو ته په پام سره یې شته اختلافاتو ته د پای ټکی کېښود او بالاخره یې د کابینې د اعلان پر سر موافقه وکړه.

که څه هم چې د نوماند وزیرانو نومونه تر اوسله ولسي جرگې ته نه دي وړاندې شوي، تمه ده چې په راتلونکي څو ورځو کې به ور وپېژندل شي او د اعتماد راپې به ترلاسه کړي.

د کار پوهانو په وینا چې په نوي کابینه کې ستر نوبت د نوو څېرو او ورو اشخاصو ټاکل دي چې په ښه مدیریت به یې په اړونده ادارو کې فساد له منځه یوسي.

بل خوا ولسمشر غني د ښې حکومتولۍ په اړه ولسونو ته ډاډ ورکوي چې د کابینې له اعلان سره سم به یې د سولې، امنیت، اقتصادي چارو حل، د کاري فرستونو، د سواد د کچې په لوړولو او یو شمېر نورو لومړیتوبونو کې له فساده پاکې هلې ځلې پیل شي چې د حکومت پر وړاندې به د ولسونو باور لا زیات شي.

د ولسمشر ویاند نظیف الله سالارزی وايي چې د ملي وحدت د حکومت دواړه رهبران ولسمشر غني او د اجرایوي چارو رییس عبدالله د نوي کابینې د ټاکلو پر سر موافقې ته ورسېدل چې ممکن په نږدې ورځو کې به یې ولسي جرگې ته ور وپېژني.

سالارزي دا څرگندويي مخکې له هغې وکړې چې د افغان دولت یو لوړ رتبه پلاو د لندن د کنفرانس لپاره تیاری نیسي.

د بنباغلي سالارزي په خبره چې د څلورو شرطونو پر بنسټ نوی کابینه جوړېږي، د هغه په خبره په دغه کابینه کې به تولی نوی خبرې وي، څلور تنه غړي به یې ښځینه وي او هغه وزارتونه چې تخنیکي دي د ازاد رقابت له لارې به ورته ور وزیران وټاکي شي.

سالارزي ونه ویل چې افغان دولت به کله د کابینې غړي ولسي جرگې ته ور وپېژني؛ خو زیاته یې کړه چې په بیلابیلو مرحلو کې به ځینې نوماندان د تایید په موخه دغې جرگې ته ور واستوي.

همدا راز د ولسي جرگې رییس عبدالروف ابراهیمي د دغې جرگې په عمومي غونډه کې خبرداری ور کړی وو چې که په راتلونکي نږدې څو ورځو کې کابینه اعلان نه شي دوی به د ارگ تر دروازې پورې خپلو اعتراضونو ته دوام ورکړي.

د ولسي جرگې یو شمېر غړو ټینگار کاوه چې د امنیتي وضعې د سمون په موخه دې نور د ولسمشرۍ او اجرایوي چارو ریاستونه د کابینې د ژر تر ژره اعلانېدلو تصمیم ونیسي.

د هغوی په خبره چې سرپرست وزیران نور د غېږې قانوني کارونو لپاره هلته پاتې دي او د هغوی بې غوري

واکنش ایران در پیوند به پیمان امنیتی کابل - واشنگتن: استقرار پایگاهها و نیروهای نظامی امریکا و ناتو تهدیدی علیه منطقه است

به ادامه حضور این نیروها در منطقه از جمله افغانستان سوء ظن داشته و معتقدیم تداوم حضور نیروهای امریکایی در افغانستان کمکی به روند ایجاد ثبات و امنیت در آن کشور نمی‌کند. افخم افزود: جمهوری اسلامی ایران معتقد است کمک‌های کشورهای منطقه‌یی و فرا منطقه‌یی به افغانستان در چارچوب تعهدات بین‌المللی و به منظور بازسازی و ایجاد ثبات و امنیت در افغانستان نمی‌بایست منوط به منافع کشور یا کشورهای خاصی و یا دریافت پایگاه‌های نظامی در افغانستان شود.

سخنگوی وزارت خارجه ایران در واکنش به تصویب قرارداد امنیتی واشنگتن و کابل با بیان این‌که نسبت به ادامه حضور نیروهای امریکایی در منطقه از جمله افغانستان سوءظن داریم، گفت: تداوم حضور نیروهای امریکایی در افغانستان کمکی به روند ایجاد ثبات و امنیت در این کشور نمی‌کند.

به گزارش فردا نیز، مرضیه افخم سخنگوی وزارت خارجه ایران گفت: با توجه به سابقه منفی عملکرد نیروهای امریکایی، ما نسبت



به ادامه حضور این نیروها در منطقه از جمله افغانستان سوءظن داشته و معتقدیم تداوم حضور نیروهای امریکایی در افغانستان کمکی به روند ایجاد ثبات و امنیت در این کشور نمی‌کند.

به گزارش فردا نیز، مرضیه افخم سخنگوی وزارت خارجه ایران گفت: با توجه به سابقه منفی عملکرد نیروهای امریکایی، ما نسبت

<p>روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد</p> <p>روزنامه ماندگار</p> <p>Mandegar Daily newspaper</p>	<p>برای دفاتر</p> <p>سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی</p> <p>شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی</p> <p>نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی</p> <p>یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی</p>	<p>برای دانشجویان و اساتید دانشگاه</p> <p>سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی</p> <p>شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی</p> <p>نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی</p> <p>یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی</p>	<p>دفاتر خارجی</p> <p>سه ماهه - ۱۰۰ دالر</p> <p>شش ماهه - ۲۰۰ دالر</p> <p>نه ماهه - ۳۰۰ دالر</p> <p>یک ساله - ۴۰۰ دالر</p>
--	---	--	--

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰